

## روند سیاسی شکل‌گیری دعاوی امارات متحده عربی در قبال جزایر سه‌گانه

عباس نجفی فیروزجائی\*

### چکیده

اختلافات سرزمینی در میان تمامی هشت کشور حاشیه خلیج فارس وجود دارد اما موضوع دعاوی کشور امارات متحده عربی در قبال جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به یکی از جنجال برانگیزترین این اختلافات تبدیل شده است. دلیل آن نیز اولاً پیگیری‌های بسیار جدی و مستمر امارات در این دعاوی و ثانیاً حمایت‌های غیرمسئولانه کشورهای عربی - خصوصاً اعضای شورای همکاری خلیج فارس - و ثالثاً شیطنت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. موضوع حاکمیت جزایر سه‌گانه دارای ابعاد مختلف حقوقی و سیاسی است و مقاله حاضر به دنبال بررسی یکی از ابعاد سیاسی این مسأله یعنی روند پیگیری‌های کشور امارات جهت اثبات ادعای مالکیت و حاکمیت خود بر این جزایر طی تاریخ بسیار کوتاه شکل‌گیری این کشور یعنی از سال ۱۹۷۱ میلادی تاکنون است. در این مقاله نشان داده خواهد شد که چگونه امارات طی همین زمان کوتاه، یک ادعای غیرواقعی را از موضوعی میان ایران و یکی از امیرنشین‌های امارات، به یک موضوع تقریباً بین‌المللی تبدیل کرده است.

### کلیدواژه‌ها

ایران، امارات متحده عربی، جزایر سه‌گانه، دعاوی حقوقی

\* پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقات استراتژیک

جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، که طبق اسناد تاریخی از قدیم‌الایام متعلق به ایران بوده، امروزه به یکی از موضوعات مهم در حوزه تمامیت سرزمینی ایران تبدیل شده است. ادعاهای کشور امارات عربی متحده در مورد حاکمیت بر این جزایر که عمدتاً از زمان بازپس‌گیری آن‌ها توسط ایران در سال ۱۹۷۱ میلادی آغاز شده است موضوع تحقیقات و مطالعات متعددی قرار گرفته است. لذا این مقاله درصدد تحقیق مجدد در این مورد نیست. بلکه تنها یکی از جنبه‌های عملکرد کشور مذکور برای پیگیری اهداف خود را، که همانا رفتار خزنده و گام به گام برای ارتقاء سطح این سوءتفاهم از موضوعی میان دو کشور، به یک موضوع منطقه‌ای و بین‌المللی و کشاندن پای سایر بازیگران به این حوزه است، مورد بررسی قرار خواهد داد. به نظر می‌رسد هدف اصلی کشور امارات از این کار، کسب حمایت‌های خارجی با توجه به شرایط و موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در جهان و همچنین تقویت بنیان‌های سست تاریخی و حقوقی دعاوی خود، از طریق سازوکارهای بین‌المللی و بازی‌های سیاسی است.

این مقاله در چند مرحله این رفتارها را مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

#### ۱- پیشینه ایرانی جزایر

جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، از زمان مادها و هخامنشیان در قلمرو ایران بوده<sup>(۱)</sup> و در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی به‌طور مستقیم تحت صلاحیت و اداره ولایت لنگه مدیریت می‌شده‌اند که خود بخشی از استان فارس بوده است. در اواخر قرن ۱۹ اداره این جزایر در دست قسمتی از قبیله قاسمی بود که به بندر لنگه مهاجرت کرده و تابعیت ایران را پذیرفته بودند و زیر نفوذ دولت مرکزی ایران قرار داشتند. در نقشه‌های جغرافیایی تهیه شده از خلیج فارس در قرون ۱۸ و ۱۹ توسط پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها نیز، این جزایر به رنگ مربوط به سرزمین ایران و در محدوده جغرافیایی ایران ترسیم شده‌اند. در ۱۸۴۵ میلادی نیز، حاج میرزا آغاسی وزیر خارجه وقت ایران، ادعای ایرانی بودن آب‌ها و جزایر خلیج فارس را تکرار کرد. در زمان حضور استعمارگران بریتانیایی در خلیج فارس، این جزایر مدتی در اشغال آن‌ها قرار گرفت.<sup>(۲)</sup> از زمانی که بریتانیا با استقرار در خلیج فارس، شیوخ و امارت‌های جنوبی خلیج فارس را در حمایت خود قرار داد،

ایران برای اعمال مجدد حاکمیت خود، ترتیباتی را پیگیری نمود.

یادداشت تفاهم تهیه شده مابین ایران و شارجه از ۱۳۵۰ (۲۹ نوامبر ۱۹۷۱) به ایران این اجازه را داد که نیروهای نظامی خود را در مناطق استراتژیک ابوموسی مستقر نماید. در نهم آذر ۱۳۵۰ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۱) نیروهای مسلح ایران در سه جزیره پیاده شدند. این عمل با حضور برخی از مقامات شارجه<sup>(۳)</sup> و با اعلام قبلی به انگلیسی‌ها صورت گرفت. رفتار ایران از آن تاریخ تاکنون به طور کامل مبتنی بر همین یادداشت تفاهم بوده و حقوقی را که برای امیرنشین شارجه و اتباع آن در ابوموسی در نظر گرفته شده بود، به طور کامل مراعات می‌نموده است.

**۳- اعتراض گاه به گاه امیرنشین شارجه و برخی کشورهای عربی نسبت به ایران** با پس گرفتن جزایر توسط ایران، امیرنشین شارجه با طرح ادعای مالکیت بر این جزایر، یک سنت سیاسی جدید را در منطقه پایه‌گذاری کرد و هر از چندگاه این ادعا را تکرار می‌کرد. برخی از کشورهای عربی به ویژه عراق، لیبی و یمن جنوبی نیز به حمایت از ادعاهای شارجه پرداختند.

یک روز پس از پیاده شدن نیروهای

موضوع جزایر ایرانی را نیز که در اجاره آنان قرار داشت، به عنوان بخشی از متصرفات این شیوخ تلقی نموده و از اعمال حاکمیت ایران بر این جزایر جلوگیری به عمل می‌آورد. مذاکرات مفصل و متعددی که میان ایران و بریتانیا از سال ۱۸۸۷ میلادی به این سو تا سال ۱۹۷۱ به انجام رسیده است همگی از اقدام مستمر ایران جهت اعاده حاکمیت تاریخی خود بر این جزایر حکایت دارد.

لازم به یادآوری است که جزایر تنب از جانب ایران به شیوخ رأس الخیمه و جزیره ابوموسی به شارجه اجاره داده شده بود. در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ اقداماتی از سوی شیخ رأس الخیمه برای بازگرداندن تنب به ایران انجام شد اما با کارشکنی‌های بریتانیا به فرجام نرسید. این اقدامات نشان می‌دهد که شیخ رأس الخیمه در مورد مالکیت ایران بر جزایر تنب هیچ‌گونه تردیدی نداشته است.

## ۲- بازپس‌گیری جزایر توسط ایران

دولت ایران در دهه‌ی چهل شمسی (۱۹۶۰ میلادی) در یک دوره مذاکرات طولانی با دولت انگلستان شرکت کرده و در ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) با اعلام حکومت بریتانیا درباره قصد عقب‌نشینی از خلیج فارس،

ایرانی در جزایر نیز شکایت‌نامه‌ای به امضای ۲۱ کشور عربی در شورای امنیت سازمان ملل طرح گردید. عراق و لیبی از حامیان سرسخت شکایت مزبور بودند. در مقابل، شورای امنیت با پیشنهاد سوماتی موافقت نمود که از مسیر دیپلماتیک، موضوع پیگیری گردد. در شهریور ۱۳۵۱ نیز به تحریک عراق و یمن جنوبی، یادداشتی به امضای اجباری پانزده کشور عربی رسید و تسلیم شورای امنیت شد تا در میان نامه‌ها و اسناد سازمان ملل بایگانی گردد.<sup>(۴)</sup>

از آن تاریخ تاکنون هر از گاه، ادعاهای مالکیت بر جزایر توسط امیرنشین شارجه و سپس کشور امارات پیگیری و مطرح می‌شده است.

#### ۴- مطرح شدن ناگهانی مسأله ابوموسی در سال ۱۳۷۱

در فروردین ۱۳۷۱ (آوریل ۱۹۹۲) پس از بیست سال، رسانه‌های اماراتی ادعا کردند که مقامات تهران از ورود تعدادی کارگر هندی و پاکستانی، که در استخدام شارجه بوده‌اند، به جزیره ابوموسی جلوگیری کرده‌اند. در مرداد ماه ۱۳۷۱ (اوت ۱۹۹۲) نیز گزارش شد که ایران از ورود بیش از یکصد آموزگار شارجه‌ای که همراه خانواده‌ی خویش در یک سفر تفریحی به

ابوموسی رفته بودند جلوگیری کرده است. ایران در آن زمان اعلام کرد که این افراد تابعیت امارات را نداشته و مصری بوده و مظنون به جاسوسی برای عراق بوده‌اند و بنابراین به روایت ورود به جزیره نیاز داشته‌اند. اما گویا امارات که در پی بهانه‌ای برای برافروختن آتش اختلاف در مورد جزایر ایرانی بود، از آن تاریخ به بعد با بیشترین توان خود، به این مسأله دامن می‌زند.

#### ۵- تبدیل مسأله ابوموسی از مسأله‌ای

بین ایران و امیرنشین شارجه به مسأله‌ای بین ایران و فدراسیون امارات به دنبال انتشار گزارش اماراتی‌ها مبنی بر جلوگیری ایران از ورود کارگران و معلمان خارجی به ابوموسی و اعتراضات امیرنشین شارجه و دولت امارات، شورای عالی اتحادیه امارات در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۱ (۱۲ مه ۱۹۹۲) تشکیل جلسه داد و در انتها نتیجه گرفت که تعهدات خارجی هریک از شیخ‌نشین‌های عضو فدراسیون امارات، به مثابه تعهد اتحادیه امارات عربی متحده تلقی شده و بنابراین از این پس، مسأله ابوموسی را وزارت امور خارجه فدراسیون امارات پی‌گیری خواهد نمود.

بر این اساس، این سطح از تحولات

**مذاکره در مورد هر سه جزیره**

پس از بروز اختلاف میان ایران و امارات در مورد ممانعت ایران از ورود اتباع خارجی اعزامی از شارجه به ابوموسی، ایران در مقام حل مشکل، سپس اجازه ورود به افراد مزبور را داده و در شهریور ۱۳۷۱ (سپتامبر ۱۹۹۲) مذاکراتی در ابوظبی راجع به رفع سوء تفاهم در مورد ابوموسی آغاز گردید، اما یک باره حکومت مرکزی امارات ادامه مذاکرات را منوط به قبول این موضوع از طرف ایران دانست که سرنوشت هر سه جزیره به جای تنها جزیره ابوموسی می‌باید در دستور کار باشد.

بعدها حتی در یک مرحله، دولت امارات با حمایت کشورهای دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس، ادعاهای ارضی خود را به برخی جزایر دیگر ایرانی همانند جزیره سیری و فارسی توسعه داد که البته بعداً مسکوت ماند.

**تلاش امارات برای منطقه‌ای و سپس بین‌المللی کردن موضوع جزایر سه گانه از راه‌های دیگر**

علاوه بر تلاش امارات در تمامی ملاقات‌ها و ارتباطات دوجانبه‌ای که این کشور با هر کشور دیگری دارد و سعی می‌کند در گفتگوها یا مصاحبه‌های مشترک و یا حتی

مربوط به مسأله جزایر، که مربوط به سیاست‌های داخلی این کشور است، با گرفته شدن ابتکار عمل از امارت‌های مختلف که به صورت تاریخی ایران می‌باید با آن‌ها وارد گفت‌وگو شود، و جمع‌آوری همه امکانات مذاکره در ابوظبی تحقق یافت. در این ارتباط ناخشنودی حکومت ابوظبی از مذاکره سایر امارت‌ها از جمله شارجه و رأس‌الخیمه با ایران کاملاً مشهود است. در حالی که دویی به خاطر حجم فزاینده‌ی تجارت خود با ایران و هم‌چنین شارجه به خاطر میدان مشترک نفتی مبارک با ایران و درآمد حاصل از این حوزه مایل نیستند که با ایران رفتار سخت‌تری در پیش گرفته شود، اما ابوظبی خواستار برخورد قاطع با ایران است.<sup>(۵)</sup> در همین ارتباط در ابوظبی مسأله جزایر توسط یکی از فرزندان شیخ زاید، شیخ حمدان به جای وزارت خارجه امارات دنبال می‌گردد. در سال ۱۹۹۸، در یک اقدامی که به نظر ایران می‌توانست مثبت ارزیابی گردد، شیخ محمد وزیر دفاع و ولیعهد دویی به ریاست کمیته دائمی مرزهای امارات عربی متحده منصوب شد، اما این کمیته در مسأله جزایر فعال نگردید.<sup>(۶)</sup>

**۶- تبدیل مذاکره در مورد ابوموسی به**

در بیانیه مشترک دو کشور، به موضوع جزایر سه‌گانه اشاره نموده و حق امارات در این مورد به رسمیت شناخته شود، در سال‌های اخیر، امارات تلاش دیپلماتیک و سیاسی و تبلیغاتی فراوانی را با تمام قوا به عمل آورده است تا موضوع جزایر سه‌گانه را از یک موضوع دوجانبه میان ایران و امارات، به یک موضوع منطقه‌ای (در قالب شورای همکاری خلیج فارس) و غیر آن و سپس یک موضوع عربی (در قالب کشورهای عضو بیانیه دمشق و سپس در قالب اتحادیه عرب) و نهایتاً به یک موضوع بین‌المللی (در قالب سازمان کنفرانس اسلامی، نشست‌های دوره‌ای شورای همکاری خلیج فارس با اتحادیه اروپا، نشست‌های سران آمریکای لاتین و اتحادیه عرب و نهایتاً اجلاس‌های سازمان ملل متحد) تبدیل نماید. تقریباً در تمامی اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حتی اجلاس‌هایی که جمهوری اسلامی ایران نیز در آن‌ها عضویت یا حداقل حضور دارد، دولت امارات با چاپ بروشورهای تبلیغاتی و نقشه‌های جغرافیایی و هم‌چنین لابی با طرف‌های دیگر سعی در مطرح کردن این مسأله داشته و با تمام تلاش خود می‌کوشد بحث جزایر و ادعاهای خود را در بیانیه‌های پایانی این نشست‌ها

بگنجانند. در ادامه، به برخی از جلوه‌های این رفتار اشاره می‌شود:

#### ۷- یارگیری امارات از جهان عرب

۷-۱- آغاز مداخلات شورای همکاری خلیج فارس

در شهریور ۱۳۷۱ (سپتامبر ۱۹۹۲) که مذاکرات ایران و امارات برای رفع سوء تفاهم‌ها در ابوظبی ادامه داشت و امارات خواستار گنجانیده شدن موضوع هر سه جزیره در مذاکرات بود، شورای همکاری خلیج فارس طی بیانیه‌ای از مواضع امارت به صورت کامل دفاع کرد.

در اجلاس هفدهم شورای همکاری در ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) به یک باره لحن شورا به شدت تند شده و از «اشغال جزایر توسط ایران» سخن به میان آمد. این رفتار حکایت از تلاش وسیع امارات برای کشاندن موضوع به سطح منطقه‌ای و عربی داشت.

این مداخلات، سپس به پای ثابت تمامی بیانیه‌های پایانی اجلاس‌های وزیران و سران شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شد.<sup>(۷)</sup> به طوری که شورای همکاری در بیانیه هفتادویکمین اجلاس وزرای خارجه، اقدام به تشکیل کمیته سه‌جانبه‌ای متشکل از وزرای خارجه سه کشور عربستان، عمان و قطر به همراه دبیرکل شورای همکاری نمود

پیچیده یا لاینحلی وجود ندارد.

۲- در سال‌های اخیر، تنها مسأله‌ای که هر از چندگاه و در پی نشست‌های سران یا وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس سبب تنش و تیرگی روابط میان ایران و شورای همکاری می‌شود، حمایت از دعاوی امارات در مورد جزایر سه‌گانه و پاسخ متقابل ایران به این مسأله است.

۳- این در حالی است که روابط دوجانبه میان ایران و هریک از این کشورها از سطح نسبتاً مطلوبی برخوردار است و در عین حال، روابط تجاری و بازرگانی میان ایران و امارات، حتی از دیگر کشورهای عضو شورای همکاری بیشتر است.

با توجه به مقدمات فوق می‌توان تلاش‌های امارات برای طرح بحث جزایر سه‌گانه در اجلاس‌های شورای همکاری را مهم‌ترین عامل تیرگی روابط میان ایران با دیگر کشورهای منطقه یا لااقل مهم‌ترین عامل در جلوگیری از بهبود روابط میان آنها دانست. به طوری که پس از انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران و طرح بحث تنش‌زدایی در روابط ایران و اعراب که به نزدیک‌تر شدن ایران با برخی از کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی انجامید و سپس در

تا موضوع جزایر را پیگیری نماید. این نخستین اقدام جدی و عملی شورا برای ورود به بحث جزایر بود. امارات با این اقدامات در نظر داشت هرچه بیشتر از ابزار شورا برای اعمال فشار علیه ایران استفاده کرده و خصوصاً از ملاحظات ایران در روابط نسبتاً خوب با سه کشور عربستان، قطر و عمان، استفاده نماید و شاید این روابط را تیره سازد.

بسیست‌ویکمین اجلاس سران در بحرین در دی ماه ۱۳۷۹ نیز بیانیه بسیار شدید اللحنی در حمایت از مواضع امارات و علیه ایران صادر کرد که در تاریخ مراودات شورا با ایران بی‌سابقه بود.

**تلاش امارات برای جلوگیری از بهبود روابط دوجانبه میان ایران و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس**

در این رابطه ابتدا توجه به سه مقدمه و مفروضه مفید است:

۱- میان جمهوری اسلامی ایران و پنج کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس (به استثنای امارات) هیچ موضوع پیچیده یا لاینحلی وجود ندارد و میان روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور امارات نیز به استثناء موضوع جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی، هیچ موضوع

دولت‌های بعدی تاکنون، به صورت جدی‌تری پیگیری شد و ادامه یافت. ملاقات آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت، در فروردین ۱۳۷۶ (مارس ۱۹۹۷) با امیرعبدالله، ولیعهد وقت عربستان که در حاشیه اجلاس کنفرانس اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان انجام شد، سرفصل جدیدی در روابط ایران و عربستان بود. علاوه بر آن، سیاست‌های آقای خاتمی رئیس‌جمهور وقت، که از آذر ماه ۱۳۷۷ (دسامبر ۱۹۹۷) و در پی اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران ریاست این سازمان را نیز برعهده داشت و در این کنفرانس میزبان سران تمامی کشورهای اسلامی از جمله کشورهای عربی بود، برای اماراتی‌ها نگران‌کننده بود. سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان و سپس سفر آقای خاتمی در اردیبهشت ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) روابط دو کشور را به مقدار قابل ملاحظه‌ای ارتقا بخشید و این امر بلافاصله تأثیر خود را بر مسأله جزایر باقی گذاشت، به طوری که هفتادویکمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۸ (۱۰ مه ۱۹۹۹) به دلیل اختلافات شدید امارات و عربستان سعودی بر سر روابط کشورهای

عضو شورا با ایران، بدون صدور بیانیه پایانی خاتمه یافت. مسکوت ماندن ادعاهای امارات بر اثر شوک ناشی از این روابط به حدی برای مقامات امارات نگران‌کننده بود که اعتراض شدید آن‌ها را علیه نحوه عمل عربستان در برداشت و حتی به تهدید به خروج امارات از شورای همکاری کشیده شد، اما نهایتاً با پادرمیانی قطر و حمایت‌های عمان از امارات، این مسأله فیصله یافت.<sup>(۸)</sup> بدین صورت که در جلسه بعدی وزرای خارجه عضو شورای همکاری خلیج فارس در ریاض در تیرماه ۱۳۷۸ (ژوئیه سال ۱۹۹۹) بیانیه‌ای با عنوان بیانیه «هفتاد و یکمین» اجلاس منتشر شده و برای دلجویی از امارات و خواست این کشور مبنی بر فراموش نشدن مسأله جزایر، با توجه به روابط گرم ایران با کشورهای عرب خلیج فارس، مقرر گشت که کمیته‌ای متشکل از وزرای خارجه سه کشور عربستان، عمان و قطر به همراه دبیرکل شورای همکاری، موضوع جزایر را پیگیری کند.

هدف اصلی سیاست‌های امارات در سال‌های اخیر آن است که به هر صورت ممکن مانع برقراری روابط نزدیک مابین تهران و پایتخت‌های کشورهای عرب



(معروف به ۲+۶) یعنی شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به علاوه سوریه و مصر نیز بر بیانیه شورای همکاری خلیج فارس که چند روز قبل صادر شده بود، صحه گذاشتند و «ادعای حاکمیت امارات بر ابوموسی» را تأیید کردند.

#### ۷-۳- اتحادیه عرب

امارات با کشاندن موضوع جزایر به اتحادیه عرب، توانسته است در بیانیه‌های پایانی اجلاس‌های اتحادیه عرب، موضوع جزایر را بگنجانند. تقریباً در تمامی بیانیه‌ها، کشورهای عضو اتحادیه با حمایت از ادعاهای امارات، به محکوم کردن ایران به عنوان اشغالگر جزایر پرداخته و خواهان حل مسأله هستند. در جدیدترین مورد، اجلاس سران اتحادیه عرب در فروردین ماه ۱۳۸۷ آن هم در کشوری چون سوریه، در حضور هیئت نمایندگی ایران به ریاست وزیر امور خارجه به تکرار این مواضع از زبان دبیرکل اتحادیه عرب (عمر و موسی) پرداخته است.

#### ۸- در سطح سازمان‌های بین‌المللی

۸-۱- در سطح سازمان کنفرانس اسلامی امارات تمام سعی خود را برای گنجاندن موضوع جزایر در دستور کار و هم‌چنین بیانیه‌های پایانی اجلاس‌های سازمان کنفرانس اسلامی - که ایران نیز یکی از

خلیج فارس تا قبل از رسیدن به میل خود که همانا در اختیار گرفتن سه جزیره باشد، گردد. نشریه اخبار الساعه که توسط مرکز دولتی مطالعات استراتژیک ابوظبی منتشر می‌گردد، می‌نویسد: «بعضی حقایق نشانگر مقاصد حقیقی نظام ایران از نزدیک شدن به کشورهای عضو شورا است و حاکی از آن است که این ورود به صورت طبیعی به خانواده خلیجی نیست، بلکه هدف از آن مصالح ذاتی تهران و پراکندن روحیه تفرقه و اختلاف بین برادران در شورای همکاری است.»<sup>(۹)</sup>

سفر آقای احمدی‌نژاد به کشور امارات که نخستین سفر یک رئیس‌جمهوری ایران به این کشور بود نیز - علی‌رغم برخی خوش‌بینی‌ها مبنی بر احتمال اصلاح رفتار دولت امارات - تأثیر چندانی بر روند پیگیری ادعاهای دولت امارات بر جای نگذاشته است. بیانیه‌های پایانی اجلاس شورای همکاری که پس از این سفر تشکیل شدند باز هم به تکرار حمایت‌های خود از ادعاهای امارات و محکوم کردن ایران در قبال «اشغال» این جزایر پرداختند.

۷-۲- مداخله کشورهای عضو بیانیه دمشق در بیستم شهریور ۱۳۷۱ (۱۰ سپتامبر ۱۹۹۲)، هشت کشور عضو بیانیه دمشق

اعضای فعال آن است - به کار می‌بندد. امارات خصوصاً در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ شمسی، با توجه به ریاست کشور قطر و امیر این کشور بر این سازمان، تلاش زیادی نمود که این موضوع در سطح کنفرانس اسلامی نیز مطرح گردد.

۲-۸- طرح بحث لزوم ارجاع پرونده جزایر به سازمان ملل متحد

۱-۲-۸- طرح و کشاندن بحث به دیوان دادگستری بین‌المللی

از زمان بالا گرفتن اختلافات ایران و امارات در مورد جزایر در تابستان (مرداد و شهریور) ۱۳۷۱ و زمانی که هنوز گفتگوهای دوجانبه

برای رفع سوءتفاهم‌ها در ابوظبی ادامه داشت، شیخ زاید، رئیس وقت حکومت امارات عربی متحده اعلام کرد که کشورش،

منزاعه با ایران را به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌دهد و سپس، وزیر

خارجه امارات، در همین راستا و نیز با هدف بین‌المللی کردن، موضوع را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مطرح نمود.

ارجاع مسأله به دیوان بین‌المللی دادگستری که در بیانیه شورای همکاری خلیج فارس نیز بدان اشاره شده است و با توجه به بودجه وسیعی که امارات برای برنده شدن در این قضیه مصرف می‌نماید،

یکی از آرزوهای حکام امارات است، گرچه از لحاظ حقوقی تنها زمانی یک موضوع می‌تواند به دیوان ارجاع گردد که دو کشور دارای اختلاف، صلاحیت دیوان را برای بررسی همان موضوع پذیرفته باشند، اما باید توجه داشت که در این ارتباط گاه امارات می‌تواند برخی دیگر از کشورها را نیز با خود

همراه نماید. سعود الفیصل، وزیر خارجه سعودی به روزنامه الوطن می‌گوید: «دیوان بین‌المللی دادگستری بهترین ابزار برای ختم منازعه است، اگر مذاکرات مستقیم نتواند صورت پذیرد. در این قضیه، ایران، فرصت مذاکرات مستقیم را رد می‌کند.»<sup>(۱۰)</sup>

تاکنون ایران در مورد احاله موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری نظر منفی داشته است.<sup>(۱۱)</sup>

۲-۲-۸- کشاندن مسأله به شورای امنیت سازمان ملل

یکی دیگر از شگردهای امارات کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. خصوصاً با توجه به اینکه پرونده‌ی شکایت کشورهای عربی که در ابتدای بازپس‌گیری جزایر توسط ایران مطرح شد، مختومه نشد بلکه مسکوت ماند و لذا پرونده کماکان در شورای امنیت مفتوح است. در این ارتباط همه ساله در

۲-۲-۸- کشاندن مسأله به شورای امنیت سازمان ملل

یکی دیگر از شگردهای امارات کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. خصوصاً با توجه به اینکه پرونده‌ی شکایت کشورهای عربی که در ابتدای بازپس‌گیری جزایر توسط ایران مطرح شد، مختومه نشد بلکه مسکوت ماند و لذا پرونده کماکان در شورای امنیت مفتوح است. در این ارتباط همه ساله در

۲-۲-۸- کشاندن مسأله به شورای امنیت سازمان ملل

یکی دیگر از شگردهای امارات کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. خصوصاً با توجه به اینکه پرونده‌ی شکایت کشورهای عربی که در ابتدای بازپس‌گیری جزایر توسط ایران مطرح شد، مختومه نشد بلکه مسکوت ماند و لذا پرونده کماکان در شورای امنیت مفتوح است. در این ارتباط همه ساله در

۲-۲-۸- کشاندن مسأله به شورای امنیت سازمان ملل

یکی دیگر از شگردهای امارات کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. خصوصاً با توجه به اینکه پرونده‌ی شکایت کشورهای عربی که در ابتدای بازپس‌گیری جزایر توسط ایران مطرح شد، مختومه نشد بلکه مسکوت ماند و لذا پرونده کماکان در شورای امنیت مفتوح است. در این ارتباط همه ساله در

۲-۲-۸- کشاندن مسأله به شورای امنیت سازمان ملل

یکی دیگر از شگردهای امارات کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. خصوصاً با توجه به اینکه پرونده‌ی شکایت کشورهای عربی که در ابتدای بازپس‌گیری جزایر توسط ایران مطرح شد، مختومه نشد بلکه مسکوت ماند و لذا پرونده کماکان در شورای امنیت مفتوح است. در این ارتباط همه ساله در

سه‌گانه از موضوعی دوجانبه میان ایران و امارات، به موضوعی منطقه‌ای و سپس بین‌المللی به کار می‌بندد. صرف‌نظر از موارد پیش‌گفته، دولت امارات در هر سطح و مکانی که بتواند، موضوع جزایر را مطرح نموده و در مورد آنها به سود خود یارگیری یا موضع تراشی می‌کند. برخی از این سطوح بدین قرار است:

۱-۹- در سطح فردی

در سفر تمامی مقامات کشورهای دیگر به امارات، از آنان خواسته می‌شود که در مورد اماراتی بودن جزایر سه‌گانه، به اظهارنظر بپردازند. به عنوان مثال، در فاصله شش ماهه اول سال ۱۳۷۸، هشت تن از مقامات آمریکایی در مورد جزایر سه‌گانه به اظهارنظر پرداختند.<sup>(۱۳)</sup> همگی آنان در ابوظبی و پس از اعلام عقد قراردادهای بلندمدت و بزرگ که اکثراً در مورد تجهیزات نظامی بود به این کار مبادرت ورزیدند.<sup>(۱۴)</sup>

۲-۹- در سطح کشورهای همسایه ایران

امارات علاوه بر کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس، سعی می‌کند تا با نزدیک شدن به سایر همسایگان ایران، جهت ایجاد فشار به ایران از همه سو، استفاده کند. امارات دومین کشور از

نطق وزیر امور خارجه امارات مسأله جزایر گنجانده شده و با توجه به روش امارات در ارسال و ثبت مواضع خود در سازمان ملل متحد، پیش‌بینی می‌شود که در این زمینه امارات بیش از پیش فعال گردد. در اجلاس ۴۷ مجمع عمومی ملل متحد در ۱۳۷۱، ۱۲ کشور پیرامون جزایر سه‌گانه به اتخاذ موضع پرداختند. در اجلاس ۴۸، ۸ کشور، اجلاس ۴۹ (۱۳۷۳) ۱۴ کشور، اجلاس ۵۰ (۱۳۷۴) ۱۳ کشور، اجلاس ۵۱ (۱۳۷۵) ۱۶ کشور، اجلاس ۵۲ (۱۳۷۶) ۱۲ کشور، اجلاس ۵۳ (۱۳۷۷) ۱۰ کشور و در اجلاس ۵۴ (۱۳۷۸) ۱۱ کشور به این موضوع اشاره نمودند<sup>(۱۲)</sup> و این امر هر ساله با تعداد متفاوتی از کشورها ادامه دارد. به عبارت دیگر رایزنی‌های فعالانه دولت امارات با کشورهای مختلف جهت جلب حمایت آنان سبب می‌شود تا نمایندگان این کشورها در نطق‌های خود در مجمع عمومی سازمان ملل، بندی را نیز در مورد جزایر سه‌گانه بگنجانند و یک موضوع را که به تمامیت سرزمینی ایران مرتبط است، در مجامع مهم بین‌المللی مطرح نمایند.

۹- در سطوح دیگر (متفرقه)

همان‌گونه که گفته شد امارات تمام سعی خود را برای تبدیل بحث جزایر

مجموعه تنها دو کشور در جهان بود که دولت طالبان را در کابل به رسمیت شناخته بود. همچنین با هزینه امارات، چند هواپیما برای طالبان خریداری شد که علی‌رغم تحریم هوایی افغانستان توسط سازمان ملل در آن مقطع، پروازهای منظمی را از فرودگاه دویی تا نزدیکی مرز افغانستان در خاک پاکستان انجام می‌دادند. همچنین حمایت‌های امارات از عراق در زمان صدام در همه ابعاد سیاسی، تبلیغاتی و مالی خصوصاً در دوران جنگ تحمیلی بر کسی پوشیده نبوده است. واضح است که در کنار سایر دلایل، یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت‌های امارات از طالبان و رژیم بعثی عراق، اعمال فشار و افزایش تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران از دو سوی شرق و غرب بوده است. البته به شکر خدا این هر دو تهدید اینک مرتفع شده و این بعد از اقدامات امارات با ناکامی مواجه شده است.

### ۹-۳- در سطح داخلی ایران

فعالیت‌های امارات در داخل ایران در دو بخش قابل تقسیم‌بندی است. بخش اول، سیاست‌های جذبی است که امروزه به شکل آگهی‌های تبلیغاتی وسیع در جراید و خیابان‌های شهرهای مختلف ایران مشاهده می‌شود و در آنها مردم ایران را به

جاذبه‌های خطوط هوایی «الامارات» و تسهیلات فرودگاه دویی و همچنین شرکت در جشنواره‌های کنایه و استفاده از بازارهای متنوع و ارزان آنجا فرامی‌خوانند و یا جوانان مشتاق ایرانی را به فراگیری و ادامه تحصیل در شعب دانشگاه‌های خارجی مستقر در امارات فرا می‌خوانند. بخش دوم سیاست‌های واگرایانه است. سرمایه‌گذاری و ارسال پول برای اعراب جزیره ابوموسی و اعطای حقوق ماهیانه بدانان و همچنین ارسال کمک‌های فراوان به برخی از فرق غیرشیعی در نواحی مرزی ایران خصوصاً در جنوب شرق کشور و پرداخت هزینه برای ساخت مساجد و سایر امور خیریه برای آنان و اخیراً نیز ارسال کمک برای تبلیغات وهابیان در مناطق عرب‌نشین خوزستان و مناطق جنوب شرق ایران و موارد متعدد دیگر، از این دست است.<sup>(۱۵)</sup>

### ۱۰- تلاش امارات برای جلب حمایت از ادعای خود بر جزایر سه‌گانه از طریق

#### تشکل‌های منطقه‌ای دیگر نقاط جهان

۱۰-۱- یکی از این موارد، اجلاس‌های مشترک اعضای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپاست که در آن با تلاش امارات، مسأله جزایر مورد بحث قرار می‌گیرد و در بیانیه‌های پایانی نیز بر آن

همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و مبادلات فرهنگی این دو منطقه از جهان تشکیل شد، اماراتی‌ها با کسب حمایت کشورهای اتحادیه عرب و استفاده از فرصت توانستند موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در بیانیه پایانی مطرح و به تصویب برسانند. در بند چهاردهم از بخش دوم بیانیه آمده است: «از جمهوری اسلامی ایران خواسته می‌شود به ابتکار امارات متحده عربی برای دست یافتن به حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع سه جزیره امارات متحده عربی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) از طریق گفتگو و مذاکره مستقیم براساس منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل پاسخ مثبت دهد».

#### فرجام

۱- جمهوری اسلامی ایران، از آغاز مطرح شدن مسائل مربوط به جزایر میان دو کشور تاکنون، بارها و بارها حسن نیت خود را برای حل موضوع به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره دوجانبه نشان داده است. در این راستا حتی مقامات سیاسی ایران در سطح وزیران خارجه و یک بار نیز در سال ۱۳۸۶ در سطح ریاست جمهوری (در زمان جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد) به امارات سفر کرده‌اند. اما هر بار این طرف اماراتی

تأکید می‌شود. این مورد خصوصاً در نهمین اجلاس مشترک که در ۱۱ آبان ۱۳۷۸ در دوبی تشکیل گردید پایه‌گذاری و از آن پس در هر اجلاس مشترک دنبال شد. به عنوان مثال، در اجلاس مشترک شورای همکاری و اتحادیه اروپا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ (ماه مه سال ۲۰۰۶) این روند تکرار شد و بیانیه مشترک، با ابراز نگرانی از برنامه‌های هسته‌ای ایران، اعتمادسازی در زمینه‌ی اهداف صلح‌جویانه این برنامه را از سوی ایران مهم و حیاتی خواند. اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس تعهد خود را به استفاده از راه‌حل دیپلماتیک اعلام و از تأثیرات فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سلامتی انسان‌ها و محیط زیست منطقه ابراز نگرانی کردند. آنها هم‌چنین از حاصل نشدن پیشرفتی در زمینه‌ی مناقشات ارضی امارات متحده عربی و ایران بر سر جزایر سه‌گانه ابراز نگرانی کرده و حمایت خود را از استفاده از راه‌حل مسالمت‌آمیز و مطابق با حقوق بین‌الملل در رابطه با این مسأله اعلام کردند.<sup>(۱۶)</sup>

۱۰-۲- هم‌چنین در اولین اجلاس مشترک سران ۱۲ کشور آمریکای جنوبی و ۲۲ کشور عربی که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ (ماه مه ۲۰۰۵) در برزیل با هدف گسترش

بود که به جای رجوع به مذاکرات دوجانبه براساس تفاهم‌نامه سال ۱۹۷۱، با جنجال‌آفرینی تلاش کرده است تا این موضوع به یک مسأله پیچیده تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین اقدامات امارات که مقاله حاضر نیز بر همین محور تمرکز کرده بود، اقدامات خزنده و گام به گام امارات برای خارج کردن مسأله از سطح دوجانبه میان دو کشور، و کشاندن آن به سطح منطقه‌ای و سپس بین‌المللی می‌باشد. به نظر می‌رسد امارات بیش از آن که به دنبال حل مسأله باشد، به دنبال اهداف دیگری است.

۲- اقدامات امارات برای خارج کردن موضوع از سطح یک «سوء تفاهم» که صرفاً به «روابط دوجانبه»ی ایران و امارات مربوط است و سعی در کشاندن موضوع به سطح منطقه‌ای و سپس بین‌المللی، که تا حدودی نیز توفیق یافته است، برای منافع ملی و تمامیت سرزمینی ایران بسیار خطرناک است. گنجانیده شدن یک بند مربوط به جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه نهایی اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک سنت ثابت، که با تلاش‌های مستمر دیپلماتیک و رایزنی‌های سیاسی امارات انجام می‌گیرد، از چند بعد حائز اهمیت

است:

**اول** - یکی از اهداف امارات که در سال‌های اخیر، استراتژی مطرح نمودن موضوع فوق در تمامی اجلاس‌ها و نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در پیش گرفته است، در حقیقت جمع‌آوری اسناد در درازمدت می‌باشد.

**دوم** - طرح چنین موضوعی خصوصاً در اجلاس‌هایی که یک طرف آن مثلاً اروپا یا دنیای لاتین می‌باشد و ربطی به دستور کار و روح نشست ندارد، خارج از قواعد و حتی عرف بین‌المللی است. هزاران اختلاف مرزی حتی بسیار بزرگ‌تر از موضوع جزایر سه‌گانه در گوشه و کنار دنیا وجود دارد که در چنین اجلاس‌هایی و این گونه بدانها پرداخته نمی‌شود. لذا می‌توان ارزیابی کرد که کشورهایی در فاصله‌هایی بسیار دور مثلاً در پانزده هزار کیلومتری با ما، بدون داشتن منافع مشترک مرزی و منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند به‌طور غیرمستقیم و به واسطه کشورهای عربی - به ویژه امارات - عاملی برای تهدید امنیت ملی کشورمان باشند.

**سوم** - چنین رفتارهایی می‌تواند ناشی از فقدان روابط فعال سیاسی ایران با کشورهای مختلف دنیا - از جمله کشورهای

آرژانتینی‌ها نیز با جلب حمایت دولت‌های منطقه خود توانستند بندی را درخصوص جزایر مورد اختلاف «مالویناس» با انگلیس، در بیانیه پایانی بگنجانند.<sup>(۱۷)</sup>

مثال دیگر در مورد بیانیه پایانی اجلاس شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپاست که در آن نیز چنین معامله‌ای کاملاً مشهود است. در حالی که اروپایی‌ها توانستند عرب‌های حوزه خلیج فارس را در زمینه‌ی نگرانی‌های خود در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران با خود همراه ساخته و آن را در بیانیه پایانی اجلاس بگنجانند، متقابلاً اروپاییان نیز حمایت خود را از مواضع امارات در مورد جزایر سه‌گانه بیان داشتند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد جزایر سه‌گانه ایرانی، توسط دیگران به منزله گوشت قربانی، در هر بازاری مورد معامله قرار می‌گیرد.

۴- تداوم این وضعیت اولاً تابعی از قدرت ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و ثانیاً تابعی از نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی که ایران به دلیل پرداختن به مسائل متعدد و مشکلات متنوع داخلی و دفع توطئه‌های فراوان، توجه خود را نسبت به مسائل پیرامونی تا حدودی کاهش داد و

عربی، اسلامی، اروپایی و آمریکای لاتین - باشد و تا زمانی که این وضعیت تداوم داشته باشد، کماکان شاهد چنین برخوردها و تهدیدهایی علیه منافع ملی کشورمان خواهیم بود.

۳- صرف محکوم کردن یا تکذیب کردن این اقدامات توسط سخنگوی وزارت خارجه یا دیگر مقامات ایرانی کفایت نمی‌کند و تداوم این وضعیت، در عین حال منافع ملی و تمامیت سرزمینی ایران را وجه المصلحه یا بازیچه‌ی بده‌وبستان‌های سیاسی کشورهای دیگر خواهد کرد. توجه به دو مثال زیر، این موضوع را روشن‌تر خواهد کرد:

مطرح شدن موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه پایانی اجلاس مشترک کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با کشورهای آمریکای لاتین، درواقع بیشتر شبیه یک معامله میان دوطرف بود. زیرا از یک طرف کشورهای آمریکای لاتین در بند مربوط به جزایر ایرانی، به نوعی ضمن جانبداری از امارات، مالکیت این جزایر را به طرف اماراتی داده و از آنها به عنوان «جزایر اماراتی مورد مناقشه با ایران» نام برده و از جمهوری اسلامی ایران خواستند تا گام‌های اساسی براساس منشور ملل متحد برای حل موضوع مورد اختلاف بردارد. متقابلاً

8) **Overtures from Iran Ignite a Bitter Debate Among Arab States** by Douglas Jehl, *New York Times*; June 9, 1999.

(۹) ملکی، عباس، همان، به نقل از:

**Feste, Karen, The Iranian Revolution and Political Change in the Arab World**, Abu Dhabi: the Emirates Center for Strategic Studies and Research, 1996, p. 15.

10) "Saudi Says World Court Could End Iran-UAE Row", *Reuters*, Dubai, Jan. 8, 2001.

11) "Iran Rules Out Court for Persian Gulf Island Dispute", *Reuters*, Jan. 10, 2001.

روابط ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به تیرگی گرایید، برخی از کشورهای کوچک‌تر همسایه با اغتنام از فرصت، در پی برخی تسویه حساب‌های پیشین برآمدند و این اقدامات با حمایت آشکار و پنهان سایر بازیگران معارض همراه بود. لذا تا زمانی که این وضعیت تداوم داشته باشد، شاهد چنین برخوردهایی نیز خواهیم بود. کاهش این رفتارهای خصمانه تنها در گرو افزایش قدرت ملی و منطقه‌ای ایران از یکسو و کاهش تنش‌های موجود با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از سوی دیگر می‌باشد.

### پانوشتها

(۱۲) ملکی، عباس، همان، ص ۱۸.

(۱۳) از جمله ژنرال «آنتونی زینی»، فرمانده وقت نیروهای مرکزی آمریکا در خاورمیانه در گفتگو با روزنامه البیان، مارتین ایندایک، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با روزنامه الاتحاد، سفیر آمریکا در ابوظبی، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا و دیگران ...

(۱۴) ملکی، عباس، همان، صص ۱-۳.

(۱۵) همان.

(۱۶) ایرنا (IRNA)، چهارشنبه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵.

(۱۷) درویش، نفیسه، اجلاس سران آمریکای جنوبی و اتحادیه عرب، گزارش تحلیلی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره صدویازده، ص ۸.

(۱) افشار سیستانی، ایرج، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴، صص ۴۸ - ۴۷.

(۲) مجتهدزاده، پیروز، جزایر تنب و ابوموسی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱-۳۱.

(۳) افشارسیستانی، همان، ص ۷۸.

(۴) همان، ص ۸۵.

5) **Foley, S. "The UAE: Political Issues and Security Dilemmas", *Geopolitics and International Boundaries*, Vol. 2, No. 2, 1998, pp. 102-21.**

(۶) ملکی، عباس، مواظب تنبان باش. ص ۱۷.

(maleki@caspianstudies.com)

(۷) همان، صص ۱-۳.